

درس ۲

# ایران در دوره حکومت رضا شاه



# متن درس

در سوم اسفند ۱۲۹۹ کودتایی در تهران به وقوع پیوست که پیامد آن زوال سلسله قاجار و برآمدن حکومت پهلوی بود. در این درس، شما با بررسی شواهد و مدارک تاریخی، زمینه‌ها و علل رویدادهایی را که منجر به شکل‌گیری حکومت پهلوی شد و نیز تحولات مهم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران را در دوران زمامداری رضاشاه (پهلوی اول) تجزیه و تحلیل خواهید کرد.

## کودتای سیاه

دولت انگلستان برای دستیابی به اهداف خود، در صدد تغییر حکومت ایران برآمد؛ به این منظور، برنامه کودتا طرح ریزی و اجرای آن به سفارت انگلیس و نیروهای انگلیسی مستقر در ایران واگذار شد. آیرون ساید، فرمانده نظامی نیروهای انگلیسی در ایران، به جست و جو در میان نیروهای قزاق پرداخت و به کمک سیدضیاءالدین طباطبایی که از سیاستمداران وابسته به انگلستان بود، یکی از فرماندهان نظامی به نام رضاخان را برای این منظور، مناسب تشخیص داد.

آیرون ساید در قزوین با رضاخان ملاقات کرد و با توجه به اطلاعاتی که سیدضیاءالدین درباره او جمع آوری کرده بود، توانست وی را با اهداف خود هماهنگ کند.

آیرون ساید بعد از آماده کردن رضاخان برای انجام کودتا، به تهران آمد و به احمد شاه چنین القا کرد که حرکت نظامی رضاخان به سوی تهران، برای حفظ کشور و سلطنت ضروری است. با آماده شدن شرایط، قوای قزاق در بامداد روز سوم اسفند ۱۲۹۹ وارد تهران شدند و بی آنکه با مقاومت جدی روبه رو شوند، نقاط حساس پایتخت را تسخیر کردند. در پی این حادثه، شاه تحت فشار انگلیسی ها به ناچار سیدضیاءالدین طباطبایی را به نخست وزیری منصوب کرد. رضاخان نیز که مهره نظامی کودتا بود، به عنوان فرمانده ارتش، لقب « سردار سپه » گرفت. به فاصله کوتاهی، سیدضیاء (مهره سیاسی کودتا) استعفا کرد و به اروپا رفت؛ اما رضاخان (مهره نظامی کودتا) در مقام وزیر جنگ روزه روز بر قدرت و نفوذ خود افزود.

## رضاخان از نخست وزیری تا پادشاهی

رضاخان در سمت وزارت جنگ از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۲ ش، با دسیسه چینی و حمایت انگلستان، موقعیت خود را تثبیت کرد. سرانجام، شاه قاجار و مجلس به ناچار به نخست وزیری او رضایت دادند. احمد شاه بلافاصله به سفر اروپا رفت و رضاخان با استفاده از این فرصت، اوضاع و شرایط داخلی را برای برداشتن قدم نهایی یعنی رسیدن به سلطنت آماده کرد. او برای رسیدن به اهدافش، ابتدا پیشنهاد کرد به جای حکومت سلطنتی، نظام «جمهوری» در کشور برقرار شود اما کسانی نظیر آیت الله مدرس، با شناختی که از رضاخان داشتند، این کار را ابزاری برای رسیدن او به قدرت می دانستند و با آن به مخالفت پرداختند و مردم را به حرکت بر ضد این پیشنهاد تشویق کردند؛ به طوری که رضاخان، سرانجام حرف خود را پس گرفت. اما برای رسیدن به تاج و تخت سلطنت، دست از تکاپو برنداشت. رضاخان در غیاب شاه که در اروپا به سر می برد، روز به روز موقعیت خود را بیشتر تحکیم می کرد و در عین حال، می کوشید تا با تبلیغاتی گسترده علیه احمدشاه، او را نسبت به سرنوشت مملکت بی اعتنا نشان دهد. احمد شاه پس از مدتی، تصمیم به بازگشت به ایران و حفظ سلطنت گرفت. انگلیسی ها وقتی که از تصمیم شاه برای عزیمت به ایران مطلع شدند، نزد او رفتند و ضمن مبالغه گویی در اوضاع آشفته ایران، صلاح او را در این دانستند که مدتی از رفتن به ایران چشم بپوشد تا رضاخان بتواند امنیت لازم را برای حضورش در کشور فراهم آورد. هرچه توقف شاه در اروپا بیشتر طول می کشید، تبلیغات طرفداران رضاخان مبنی بر اینکه شاه علاقه ای به سرنوشت ایران ندارد، بیشتر می شد و مردم نیز کم و بیش این نکته را باور می کردند. پس از سرکوبی شورش خزعل و بعضی شورش های پراکنده دیگر، با توجه به امنیتی که رضاخان به وجود آورده بود، محبوبیت او افزایش یافت؛ در همین حال، در اثر تبلیغات طرفداران رضاخان، بدبینی مردم نسبت به احمد شاه و گرایش به رضاخان نیز بیشتر شد.

## به سلطنت رسیدن رضاخان

پس از آنکه عمال انگلیس اذهان عموم مردم را به سود رضاخان آماده کردند، سرانجام در سال ۱۳۰۴ ش، ماده واحده ای به صورت طرح در مجلس شورای ملی مطرح شد که در آن، خلع قاجاریه از سلطنت و سپردن حکومت موقت به رضاخان خواسته شده بود.

در این ماده واحده، پیش بینی شده بود که پس از خلع قاجاریه، مجلس مؤسسان برای تغییر چند ماده از قانون اساسی تشکیل خواهد شد و تکلیف قطعی سلطنت را تعیین خواهد کرد. جز چهار تن از نمایندگان مجلس - از جمله آیت الله مدرس و دکتر مصدق - سایر نمایندگان به این طرح رأی مثبت دادند.

با حمایت همه جانبه ای که از سوی دولت های بزرگ خارجی به عمل آمد، انتخابات مجلس فرمایشی مؤسسان برگزار شد. در آذر سال ۱۳۰۴ مجلس مؤسسان با نطق رضاخان افتتاح شد و پس از شش روز بحث و گفت و گو، رضاخان را به پادشاهی ایران انتخاب و سلطنت را در خانواده او موروثی اعلام کرد.

## ماهیت برخی از اصلاحات و اقدامات رضاشاه

آغاز سلطنت پهلوی، در واقع فصل جدیدی از تاریخ ایران است که همزمان با آن، دوره نوینی از غارت کشور ما به دست بیگانگان آغاز می شود که به «استعمار نو» شهرت دارد. رضا شاه پس از رسیدن به سلطنت، در زمینه های داخلی و خارجی به اقداماتی دست زد. این اقدامات عبارت بودند از:

### ۱- بازگشت به حکومت استبدادی:

وی از همان ابتدای کار، به حذف شخصیت های آزادی خواه، مستقل و مخالف با نفوذ بیگانگان اقدام کرد و شیوه حکومت استبدادی و رأی فردی را پیش گرفت. او به مجلس قانون گذاری و قانون اهمیت نمی داد و تصمیمات فردی خود را به اجرا درمی آورد.

### ۲- ایجاد ارتش منظم:

به وجود آوردن ارتش منظم در ایران از جمله برنامه های اساسی انگلیسی ها بود. این ارتش ضمن اینکه تمرکز قدرت سیاسی را در کشور ممکن می ساخت، قیام های مردمی را سرکوب می کرد و در مواقع ضروری، به عنوان تأمین کننده اهداف نظامی انگلستان مورد استفاده قرار می گرفت. رضا شاه نیروهای سه گانه ارتش را با هدایت انگلیسی ها به وجود آورد. به نو کردن ارتش پرداخت و در سال ۱۳۰۴ ش، قانون نظام وظیفه عمومی را به تصویب رساند.

### ۳- احداث خط آهن سراسری:

از جمله اقدامات رضا شاه، احداث راه آهنی بود که بندر ترکمن را به بندر شاهپور متصل می کرد. احداث این راه با تبلیغات فراوان انجام گرفت و در واقع، هدف آن ایجاد راهی سراسری برای انتقال سریع نیروهای انگلیسی از جنوب به شمال بود. در صورت پیشروی روس ها، انگلیسی ها با استفاده از این راه می توانستند نیروهای خود را به سرعت به شمال بفرستند و مانع نفوذ آنها به هندوستان شوند. در جنگ جهانی دوم همین راه به مهم ترین عامل ارتباطی نیروهای متفقین مبدل شد.

### ۴- اسکان عشایر:

از دیگر اقدامات رضا شاه، اسکان اجباری عشایر بود. هدف آن، مهار کردن نیروی رزمی عشایر بود. این اقدام، از رونق دامداری کشور کاست و باعث شد که کشور ما از نظر دامی به بیگانه نیازمند شود.

### ۵- یک شکل کردن لباس ها و کشف حجاب:

رضا شاه به نام تمدن و تجدد و مبارزه با کهنه پرستی، به یک شکل کردن لباس ها و نیز برداشتن حجاب بانوان اقدام کرد؛ اما مردم مسلمان ایران در برابر این اقدامات دست به مقاومت زدند که از آن جمله باید از قیام مردم مسلمان مشهد در مسجد گوهرشاد نام برد که در جریان آن، عده زیادی کشته و مجروح شدند.



رضاشاه که تصور می کرد مهم ترین راه پیشرفت و توسعه کشور تقلید از غرب و اشاعه فرهنگ غربی است، پس از مسافرت به ترکیه و آشنایی با آتاتورک، رئیس جمهور آن کشور، به تقلید از او به مبارزه با همه سنت های اسلامی پرداخت. او در این راه حتی مأموران مخصوص در کوچه و خیابان شهر گماشت که وظیفه داشتند به زور چادر را از سر زنان بکشند. رضاشاه برای تضعیف روحانیت، دستور داد که روحانیون نیز لباس های مخصوص خود را کنار بگذارند. به دستور وی، دفترخانه های شرعی تعطیل شدند و دخالت روحانیون در مسائل اجتماعی اکیدا ممنوع اعلام شد. عزاداری سیدالشهدا قدغن شد و از انجام پذیرفتن بسیاری از آداب مذهبی به شدت جلوگیری به عمل آمد.

## شهادت مدرس

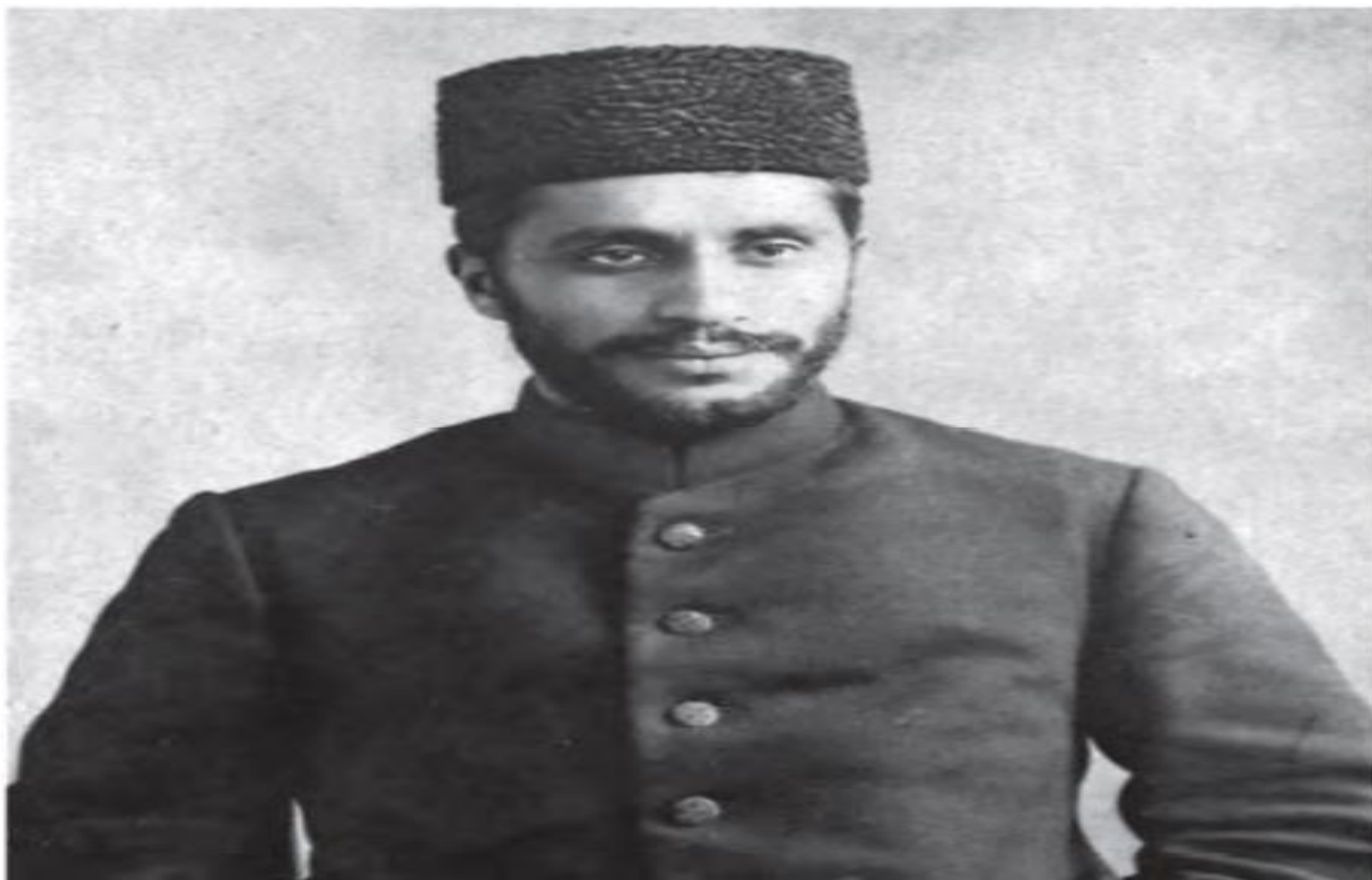
مدرس، روحانی مبارز و خستگی ناپذیری که آرزویش نجات ایران از چنگال استبداد و استعمار بود، در دوران نخست وزیری رضاخان و پس از به سلطنت رسیدن او، یگانه دشمن سرسخت و جدی وی به شمار می رفت.

وجود مدرس در تهران خطری جدی برای ادامه حکومت رضاشاه به حساب می آمد. از سوی دیگر، رضاشاه می دانست که نمی تواند مدرس را مانند دیگر مخالفان، بدون توجه به عکس العمل مردم به راحتی از بین ببرد؛ از این رو، در صدد برآمد که ابتدا او را تبعید کند و پس از آنکه قدرت خویش را تثبیت کرد، به قتل وی اقدام کند؛ به این ترتیب، در مهرماه ۱۳۰۷ مأموران شهربانی به منزل این روحانی والامقام هجوم بردند و او را به خوف تبعید کردند. مدرس سال ها در خوف زندانی بود. سرانجام پس از فراهم شدن زمینه، وی را از خوف به کاشمر بردند و پس از مدت کوتاهی، در ۱۰ آذر ۱۳۱۶ او را در همان جا مسموم کردند و به شهادت رساندند.

## رضاشاه و سیاست گرایش به آلمان

همزمان با آغاز سلطنت رضاشاه، انگلیسی ها تصمیم گرفتند با تقویت کشور آلمان که همچنان گرفتار مصائب جنگ جهانی اول بود، کمی از مشکلات اقتصادی کشور یاد شده بکاهند و با این همکاری، مانع از افتادن آلمانی ها به دام کمونیسم شوند. از نظر انگلیسی ها، در آن شرایط، بهترین راه مساعدت به آلمان این بود که سیاستمداران انگلیسی به رؤسای کشورهای تحت سلطه خویش دستور دهند تا امکان فعالیت های تجاری و صنعتی آلمان را در این کشورها فراهم سازند؛ به همین دلیل، رضاشاه درهای کشور ایران را به روی سرمایه های آلمانی گشود.

# عکس ها



سیدضیاء الدین طباطبایی ( ۱۲۶۸ - ۱۳۴۸ ش )



احمد شاه قاجار به همراه رضاخان و رجال درباری



میرزا کوچک خان



رضاشاه دانش آموزان را هم به استفاده از کلاه پهلوی مجبور کرد.





رضاشاه و آتاتورک

# فعالیت ها

## فعالیت ۱

پس از همفکری و مرور آموخته های قبلی، درباره شیوه یا شیوه های معمول به قدرت رسیدن خاندان ها و سلسله ها در تاریخ ایران بحث و گفت و گو کنید.



## فعالیت ۲

### بحث و گفت و گو کنید

با توجه به آنچه در درس های قبل آموختید، درباره تأثیر شرایط اجتماعی بر به قدرت رسیدن رضاخان گفت و گو کنید.

بیشتر بدانیم

بیشتر بدانیم!

## میرزا کوچک خان و نهضت جنگل

نهضت جنگل قیام مردمی بود که در یکی از حساس ترین دوره های تاریخی کشور ما، شکل گرفت. این نهضت از جنگل های گیلان آغاز شد و سپس، روستاها و شهرهای این استان را دربر گرفت و هفت سال ادامه یافت ۱. رهبر نهضت جنگل، میرزا کوچک خان، طلبه آزادمنش و انقلابی و فردی مؤدب، متواضع، خوش برخورد و پای بند به اجرای دستورات دینی بود. او از همان ابتدای جوانی دارای صفات عالی و ممتاز بود و در میان همسالان خود شاگردی با استعداد، بی پروا و طرفدار عدل و حامی مظلومان به شمار می رفت؛ آن چنان که هرگاه کسی به دیگری ستم می کرد، مشت میرزا را بالای سر خود می دید. میرزا کوچک خان ورزش را دوست می داشت و هر روز ورزش می کرد. او مردی متفکر و آرام بود؛ زیاد حرف نمی زد و آهسته و سنجیده سخن می گفت و صحبت هایش اغلب با لطیفه و مزاح همراه بود. دارای جذبه ای خاص بود و به ندرت اتفاق می افتاد که مخاطبش مجذوب متانت و بیان او نشود. میرزا یک مرد مذهبی تمام عیار بود و هیچ گاه واجباتش را ترک نمی کرد. او به اشعار فردوسی علاقه خاصی داشت؛ به طوری که در مرکز فرماندهی خود در جنگل، جلسات منظمی برای خواندن شاهنامه ترتیب داده بود. میرزا در آستانه انقلاب مشروطیت، زمانی که بسیار جوان بود، در رشت دست به حرکت های انقلابی زد؛ در حرکت مشروطه خواهان شمال برای سرنگونی محمدعلی شاه، دلاوری های بسیاری از خود نشان داد و همراه با مشروطه خواهان به تهران رفت. او در جریان جنگ جهانی اول و اشغال ایران توسط روس و انگلیس، به فکر برپا کردن یک نهضت مسلحانه افتاد. اهداف او و یارانش در برپایی این نهضت عبارت بودند از: اخراج نیروهای بیگانه، رفع نا امنی و بی عدالتی و برقراری امنیت، مبارزه با

خودکامگی و استبداد. قیام جنگل در مقابله با متجاوزان و دولت های بی کفایتی که در تهران بر سر کار می آمدند، در طول هفت سال فراز و نشیب های بسیاری را پشت سر گذاشت. این قیام، سرانجام به دنبال خیانت دولت شوروی، بروز اختلاف در میان سران نهضت جنگل و حمله نیروهای دولتی به فرماندهی رضاخان، سرکوب شد اما نام میرزا و مقاومت های مردانه اش در برابر ستم و تجاوز، در خاطر مردم ایران ماندگار شد.



## بیشتر بدانیم ۲

### شیخ خزعل

شیخ خزعل رئیس قبیلهٔ مُحیسن شاخه ای از قبیلهٔ بنی کعب ساکن در خوزستان و با نفوذترین فرد در آن منطقه بود؛ به طوری که همهٔ مسئولان ادارات، با وجود او هیچ اختیاری نداشتند. شیخ خزعل با انگلیسی ها ارتباط داشت و انگلیسی ها از نفوذ و قدرت او برای ایجاد امنیت در خوزستان استفاده می کردند؛ زیرا آنان برای استخراج نفت در این منطقه، با وجود عشایر مختلف عرب و غیرعرب، به قدرتی محلی که امنیت را برایشان برقرار سازد نیازمند بودند. با ظهور رضاخان و قدرت گیری او، بر شیخ خزعل مسلم بود که او دیر یا زود با رضاخان درگیری خواهد داشت. عاقبت نیز چنین شد. انگلیسی ها شیخ خزعل را فدای رضاخان کردند تا او را در میان مردم قهرمان جلوه دهند. سرانجام، شیخ خزعل به دستور رضاشاه به تهران فراخوانده شد و خود و پسرش مخفیانه به قتل رسیدند.

بیشتر بدانیم ۳

حتی یک رأی!

معروف است که شهید مدرس در انتخابات مجلس هفتم، از جمله داوطلبان نمایندگی مردم تهران بود. پس از انجام انتخابات، اعلام شد که او حتی یک رأی هم نیاورده است. مدرس در این باره گفته بود:

«به فرض که هیچ کس به من رأی نداده است؛ پس آن یک رأی که من به خودم داده بودم چه شد؟»



## پرسش های نمونه

- ۱- با توجه به آنچه در درس های قبل آموخته اید بیان کنید که به نظر شما شرایط اجتماعی به قدرت گیری رضاخان کمک کرد یا برعکس؟ چرا؟
- ۲- رضاشاه برای حذف احمدشاه از صحنه سیاسی ایران چه کرد؟
- ۳- مجلس مؤسسان تکلیف قطعی سلطنت قاجار را چگونه مشخص کرد؟
- ۴- اقدامات فرهنگی رضاشاه و پیامد آنها را توضیح دهید.
- ۵- توضیح دهید چرا رضا شاه سیاست گرایش به آلمان را پیش گرفت.